



بیانات معظم له در دیدار گروه کثیری از پاسداران به مناسبت سالروز میلاد امام حسین (ع) و روز پاسدار - 17 مهر/ 1381

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه حضار عزیزی که این جلسه پُرشور و صمیمی در این جا به برکت حضور آنها تشکیل شده است؛ چه برادران و خواهران عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چه پاسداران کمیته های قبلی انقلاب اسلامی - که امروز در نیروی انتظامی مشغول خدمت هستند - و چه جانبازان عزیز که فداکاران دیروز و امروز انقلاب و دوران دفاع مقدس محسوب می شوند، خوشامد عرض می کنم. امیدواریم خداوند متعال نظر لطف و قبول خود را به همه این مجاهدتها و تلاشهای مخلصانه بیفکند و نور رستگاری و سعادت را که به فضل مجاهدتهای شما در این کشور پدید آمد و به سراسر دنیای اسلام تأیید و در دلها و جانها منعکس شد، روزبه روز درخشنده تر و نمایانتر فرماید. همچنین حلول ماه شعبان و اعیاد شریف این ماه پُربرکت را تبریک عرض می کنم. ماه شعبان یکی از فرصتهای مغتنمی است که در اختیار ماست. این سه ماه - ماه رجب و شعبان و رمضان - ایام بسیار مغتنمی است و باید از برکات الهی در این سه ماه استفاده کنیم و به قول نظامیها، بار مبنای معنویت خود را تکمیل نماییم. اگر ذخیره معنوی در وجود انسان از حد لازم پایینتر رود، انسان دچار لغزشها و گمراهیهای بزرگی خواهد شد. معنویت در وجود یک انسان، برای او مایه هدفدار شدن است؛ زندگی او را معنا می کند و به آن جهت می دهد. همچنان که آرمانهای معنوی و اخلاقی، زندگی یک جامعه و یک کشور و یک ملت را جهتدار می کند؛ به تلاش و مبارزه آنها معنا می دهد و برای انسان هویت می سازد. وقتی یک ملت و یک کشور از آرمانهای اخلاقی و معنوی تهی شد، هویت حقیقی خود را از دست می دهد و مثل پَر کاهی می شود؛ گاهی به این طرف، گاهی به آن طرف می رود، گاهی دست این، گاهی هم دست آن می افتد. این ماه شریف و دو ماه قبل و بعد از آن، فرصتهایی است برای این که ما در وجود خود، ذخیره های معنوی را تکمیل کنیم.

ما سایش و فرسایش پیدا می کنیم. دل و جان ما در برخورد با حوادث روزمره زندگی، به طور دائم در حال فرسایش است. باید حساب این فرسایشها را کرد و جبران آن را با وسایل درست، پیش بینی نمود، و الا انسان از بین خواهد رفت. ممکن است انسان از لحاظ مادی و صوری، تنومند و فربه هم بشود؛ اما اگر به فکر جبران این سایشها نباشد، از لحاظ معنوی نابود خواهد شد. قرآن می فرماید: «انّ الذین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزل علیهم الملائكة». «ربّنا الله» یعنی اعتراف به عبودیت در مقابل خدا و تسلیم در مقابل او. این چیز خیلی بزرگی است؛ اما کافی نیست. وقتی می گوییم «ربّنا الله»، برای همین لحظه ای که می گوییم، خیلی خوب است؛ اما اگر «ربّنا الله» را فراموش کردیم، «ربّنا الله» امروز ما دیگر برای فردای ما کاری صورت نخواهد داد. لذا می فرماید: «ثمّ استقاموا»؛ پایداری و استقامت کنند و در این راه باقی بمانند. این است که موجب می شود «تنزل علیهم الملائكة»، والا با یک لحظه و یک برهه خوب بودن، فرشتگان خدا بر انسان نازل نمی شوند، نور هدایت و دست کمک الهی به سوی انسان دراز نمی شود و انسان به مرتبه عباد صالحین نمی رسد. باید این را ادامه داد و در این راه باقی ماند؛ «ثمّ استقاموا». اگر بخواهید این استقامت به وجود آید، باید به طور دائم مراقبت کنید که این بار مبنای معنویت از سطح لازم پایین نیفتد.

این ماهها، فرصت بازبینی است. اولیای خدا و ائمه هدی علیهم السلام - آن طور که در روایت آمده است - بر مناجات شعبانیّه مواظبت می کردند. من یک بار از امام بزرگوار پرسیدم: در بین دعاها به کدامیک بیشتر علاقه دارید؟ ایشان اسم دو دعا را بردند: یکی مناجات شعبانیّه، دیگری هم دعای کمیل. این دو دعا مضامین فوق العاده ای دارند. این



دعاها فقط برای خواندن نیست؛ یعنی فقط برای این نیست که انسان موجی در فضا ایجاد کند و این کلمات را بر زبان جاری نماید - این خیلی سطحی و خیلی کم است - این مفاهیم را باید با دل آشنا کرد؛ باید دل را وارد این حریم نمود. این معانی بلند و مضامین برجسته با این الفاظ زیبا، برای این است که در دل انسان جایگزین شود. «الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک»؛ پروردگارا! به طور کامل مرا به خودت متصل و پیوسته کن؛ مرا وابسته حریم عزّ و شأن خود قرار بده؛ چشم دل مرا نورانی و بینا کن؛ آن چنان که بتواند به تو نظر کند: «حتی تخرق ابصار القلوب حجب الثور»؛ نگاه من بتواند همه ی حجابها - حتی حجابهای نورانی - را بشکافد و از آنها عبور کند و به تو برسد؛ تو را ببیند و تو را بخواهد. بعضی حجابها ظلمانی است. حجابهایی که ما گرفتار و اسیرش هستیم و در آنها دست و پا می زنیم - حجاب نام، حجاب نان، حجاب حسادتها، حجاب منیّتها - حجابهای ظلمانی و حیوانی است؛ اما کسانی که خود را از این حجابها خالص می کنند، باز حجابهای دیگری هم سر راهشان وجود دارد که حجابهای نورانی است. ببینید گذر از این حجابها چقدر برای انسان، بالا و بالاست! یک ملت اگر با این مفاهیم آشنا شد و دل خود را در این فضا وارد کرد و حرکت خود را با این میزان تنظیم نمود، پیش خواهد رفت و کوهها را در مقابل خود ناچیز خواهد دید. ملت ما در یک لحظه تاریخی، چنین حالتی پیدا کرد و این انقلاب به وجود آمد. شما خیال نکنید این انقلاب حتی قابل پیش بینی بود؛ خیر، قابل پیش بینی هم نبود؛ این قدر عظیم بود. این که ملتی با دست خالی بتواند یک نظام پوسیده فاسد، اما مورد حمایت صدرصد همه قدرتهای ظالم دنیا را که با سخت ترین روشهای استبدادی حکومت می کرد و کسی جرأت نفس کشیدن نداشت، از بین ببرد و عقیده و آرمان خود - یعنی اسلام - را جای آن بگذارد، اصلاً متصور نبود. حتی به ذهن آدمهای خوشبین هم نمی رسید که چنین چیزی ممکن باشد؛ اما ملت ما این کار را کرد. آرمانهای معنوی و اخلاقی و آرزوهای بزرگ، آن چنان نیرویی به این ملت داد که هیچ فشار و تحمیل و تهدید و حادثه تلخی نتوانست او را وسط راه نگه دارد و متوقف کند. لذا تا آخر رفت.

نمونه دوم، دوران جنگ تحمیلی بود. اکثر شما شاید جنگ تحمیلی را درک کرده اید؛ اما من نمی دانم چقدر خاطرات روزهای اوّل جنگ در یاد شما زنده است. یک ملت در مقابل تهاجمی قرار گرفته بود؛ اما در واقع از ابزارهای متعارف هیچ چیز نداشت. سراغ تانک می رفتیم، نبود، یا کم بود، یا ناقص بود؛ سراغ سلاح می رفتیم، همین طور؛ سراغ هواپیما می رفتیم، همین طور. کسانی هم که آن روز در رأس بعضی کارهای مؤثر بودند، دائم آیه یأس می خواندند؛ اما همین بارقه الهی و انگیزه اخلاقی و معنوی و دینی و همین خداجویی، دلهای جوانان - همین پاسداران، همین نیروهای مردمی و بسیج از همه قشرها، همین عناصر بسیار مؤمن و خالص ارتش - را آن چنان آماده کرد که جانها توانستند ضعف جسمها را جبران کنند. «لبسوا القلوب علی الدروع»؛ درباره اصحاب کربلاست: دلهایشان را روی زره هایشان پوشیدند! زره ها جسمها را نگه می دارد، اما دلها جسمها و زره ها را نگه می دارد. دلهای با ایمان و نورانی آماده شد و همتهای بلند به جنبش درآمد و جبهه عظیم و وسیعی را که یک سرش در دستگاههای جاسوسی و وزارت دفاع امریکا بود، یک سرش در ناتو بود؛ یک سرش در شوروی سابق بود، یک سرش در خزانه دولتهای نفتی منطقه، و سوگلی همه اینها هم رژیم بعثی بود که از همه طرف کمکها را به او می رساندند؛ شکست داد و ناکام کرد. این شوخی است؟ این همان معنویت است. وقتی آرمانها و نقطه اتکاء معنوی در کشور و ملتی وجود داشت، از این گونه معجزات به وجود می آید.

من همیشه به مسؤولان مربوط در بخشهای گوناگون - چه در بخش اقتصاد و چه در بخش کارهای علمی - توصیه کرده ام و الان هم می گویم: اگر همین همتهای روحیه ها و همین دلهای قرص و محکم، در هر میدانی محور تلاش و کار باشند، مشکلات را از سر راه برمی دارند. چه کارهای عظیمی که نیروهای مؤمن و حزب الهی و انقلابی، با تکیه به همین ایمان، در زمینه های سازندگی، فناوریهای پیچیده و نظامی به وجود آوردند، که اکثر شما می دانید



من چه می گویم. در همه ی زمینه ها این نقطه اتکاء معنوی می تواند چنین معجزه ای بکند. یک عدّه، ساده لوحانه بعضی از کشورهای ثروتمند دنیا را مورد نظر قرار می دهند و می گویند اینها ثروت دارند، اما دین و اخلاق ندارند؛ ما هم به همان راه برویم. خیال می کنند ثروتمند شدن آنها، ناشی از دین نداشتن و اخلاق نداشتن آنهاست! این اشتباه است. هر کشوری اگر ثروتمند و قدرتمند شده است، به خاطر عوامل خاصّ ایجاد قدرت و ثروت است. هر جا تدبیر و کار و تلاش باشد، محصولی خواهد داد؛ این سنت الهی است. حتی کسانی هم که دنبال مادیات صرف بدون معنویت می روند، اگر مدیریت و تدبیر درستی داشته باشند و تلاش و مجاهدت هم بکنند، البته به آن خواهند رسید: «کلاً نمدهؤلاء و هؤلاء من عطاء ربک». این صریح قرآن است؛ بحث در این نیست. بحث در این است که وقتی فقط برای مادیات کار و تلاش شد، ثروت و قدرت به دست می آید؛ اما سعادت به دست نمی آید. ما می خواهیم جامعه ای داشته باشیم که ثروت و قدرت و سعادت همه جانبه و عدالت را با هم داشته باشد. این نقطه ای است که ملتها آرزوی آن را می کشند؛ والا در کشورهای ثروتمند و قدرتمند، بی عدالتی و ظلم و فقر و محرومیت و تلخی خیلی وجود دارد؛ ما که دنبال آن نیستیم.

جامعه ای می تواند تصویر آرمانی یک ملت زنده، بیدار و باهوش قرار گیرد که در آن، معنویت و عدالت و عزّت و قدرت و ثروت و رفاه باشد. اگر بخواهیم این مجموعه با هم باشد، بدون معنویت و آرمان معنوی و اخلاق و در نظر گرفتن خدا و بدون مجاهدت فی سبیل الله ممکن نیست. این چیزی است که پاسدار را عزیز می کند.

پاسداران برای خدا مجاهدت کردند. روز پاسدار، روز ولادت حسین بن علی علیه السلام است؛ یعنی مظهر مجاهدت خالص و پاک برای خدا. این مجاهدت اگر از سوی مردم جواب داده شد، مثل مجاهدت نبی اکرم می شود که حکومت اسلامی را به وجود آورد و تاریخ را عوض کرد؛ اما اگر با کمک و همراهی دل‌های مؤمن مواجه نشود، مانند واقعه عاشورا می شود که امام حسین به شهادت می رسد. جوشش معنوی او، تاریخ را هدایت می کند. بالفعل نمی تواند موفقیت ظاهری پیدا کند، اما در طول تاریخ، موفقیت حتمی متعلّق به اوست؛ همان طور که همه نبوتها و همه راهنمایان بشر و راهنمایان الهی در طول تاریخ، این را داشته اند. لذا شما می بینید با گذشت سیزده، چهارده قرن، نام حسین بن علی پرچم عدالت و فضیلت‌های معنوی است و همین نام توانسته است این انقلاب را به وجود آورد. این انقلاب - که از این حیث، شبیه نهضت نبی اکرم است؛ یعنی به موفقیت رسید و دلها و جانها و نیروها و انسانها با آن همراهی کردند و امام را تنها نگذاشتند - توانست پرچم شوکت و عزّت را سر پا کند. این را از حسین بن علی الهام گرفت و مظهر تجدید حیات اسلام شد.

راهی که انقلاب اسلامی و فداکاران این راه و شما پاسداران در طول این سالها رفتید، راه درستی بود؛ همان راهی بود که دنیای اسلام را بیدار کرد؛ بسیاری از غیر مسلمانان را مسلمان کرد؛ حقانیت ملت ایران را اثبات کرد و آبروی ابرقدرت درجه یک دنیا را ریخت. امروز ببینید در دنیا علیه امریکا چه خبر است! می دانید اینها برای حفظ آبرویشان چقدر خرج می کنند و برای فریب افکار عمومی چقدر مایه می گذارند؟ این که در مقابل افکار عمومی دنیا این طور عریان و رسوا، انگشت اشاره ی ملتها به طرف آنها دراز باشد و این قدر به آنها اهانت کنند، می دانید چقدر برایشان مهم است؟ اینها اثرات آن ایستادگیها و مجاهدتها و توکل به خداست.

امروز بیداری دنیای اسلام و رسوایی دشمنان اسلام اتفاق افتاده است؛ باید این راه را ادامه داد. این راه، راهی است که می تواند این ملت را به آرمان‌های حقیقی خود برساند؛ یعنی به همان مجموعه آرمانی عزّت، معنویت، قدرت، رفاه و عظمت علمی؛ همان چیزهایی که برای یک ملت، مطلوب و محبوب است. راه صحیحی که فرزندان این انقلاب و فرزندان امام پیموده اند، ما را به آن جا خواهد رساند؛ منتها شرطش استقامت است. استقامت، یعنی راه را گم نکردن؛ فریب جلوه های مادی را نخوردن؛ اسیر هوی و هوس نشدن؛ دستورها و فرایض اخلاقی و معنوی و ادب اسلام را رها نکردن و به لذّت طلبی و عشرت طلبی رو نیاوردن. اینها اساس کار است. البته در درجه اول باید مسؤولان



طراز اول و طراز دوم کشور و مدیران ارشد و فرماندهان، مراقب این چیزها باشند؛ بعد هم عناصر مؤمنی که می‌خواهند افتخار پیشرفت نظام اسلامی و آرمان اسلامی را در نزد خدا و خلق و تاریخ برای خود حفظ کنند. البته معارضه و مخالفت و مزاحمت، زیاد است. همان اتهامها و اهانت‌هایی که از اول پدید آمدن حرکت و فرهنگ پاسداری در کشور وجود داشت، در سال‌های اخیر هم بعضاً توسط همان آدم‌ها تکرار می‌شود؛ لیکن این مزاحمت‌ها نباید بتواند راه مردان خدا را سد کند.

پاسداری، یک فرهنگ است؛ یک فرهنگ عزت و افتخار است. پاسداری از دین و انقلاب - که امروز این معنا در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مجسم است - صرفاً یک حرکت نظامی نیست؛ پاسداری، یک فرهنگ است؛ جنبه عقیدتی و سیاسی و فداکاری و مجاهدت دارد. البته جنبه نظامی هم دارد؛ یعنی بازوی نظامی انقلاب بوده است و خواهد بود. همان طور که دیروز انقلاب به این پاسداری نیاز داشت، امروز هم نیاز دارد، فردا هم نیاز خواهد داشت؛ همیشه نیاز دارد.

بعضیها نادانسته - که مایلیم امیدوار باشیم نادانسته است - ریشه اصل مجاهدت و شهادت فی سبیل الله را می‌زنند. اینها نمی‌فهمند چه می‌کنند؛ کارشان مثل همان نشستن بر سر شاخ و بُن بریدن است. اینها نمی‌فهمند که یک ملت وقتی به جهاز عظیم جهاد و شهادت فی سبیل الله مجهز باشد، چه معجزاتی می‌کند و چه موقیتهایی بزرگی را به دست می‌آورد. این را می‌خواهند از این ملت بگیرند. اینها می‌خواهند انقلاب و نظام اسلامی را مثل یک موجود بی‌دفاع، در دسترس قدرتها بگذارند تا آنها با همه امکانات سیاسی و نظامی و اقتصادی خود آن را بدرتند و تکه پاره کنند. البته وقتی دشمنان این حرفها را می‌زنند، کاملاً جهتدار، فهمیده و دانسته می‌زنند؛ اما بعضی هم علی‌الظاهر بدون این که بدانند چه می‌کنند، حرفهای دشمنان را تکرار می‌کنند.

شما این راه و این افتخار و این هویت چندجانبه را با دقت حفظ کنید. نسل اول جهاد و شهادت، خوب امتحانی داد؛ نسل‌های دوم و سوم جهاد و شهادت هم به فضل پروردگار با نورانیتهایی که امروز انسان در نسل جوان مشاهده می‌کند، آن روزی که لازم باشد، امتحان بسیار خوبی خواهند داد.

خداوند شما را محفوظ بدارد. ان شاء الله توجّهات حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و ادعیّه زاکیّه آن بزرگوار شامل حال همه شما و همه فرزندان برومند این نظام و این انقلاب باشد و ان شاء الله با همّت و نیرو و نشاط شما، این کشور و این ملت بتواند راه‌های دشوار را طی کند و موانع بزرگ را از سر راه خود بردارد و به آرمان‌های الهی خود برسد. والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته